

بررسی نقش هنرمندان و صنعتگران مهاجر در شکوفایی تمدن عهد تیمور

چکیده

دوره تیموری یکی از درخشان‌ترین ادوار تمدن و فرهنگ ایران است. با استناد به گزارش مورخان، تیمور، در هنگام فتح شهرها، هنرمندان و صنعتگران ممتاز را شناسایی و به ماوراءالنهر اعزام می‌کرد تا به یاری آن‌ها، پایتختی باشکوه ایجاد کند. دستیابی به ثروت هنگفت و نیروی انسانی متبحر سرزمین‌های تحت سلطه، بستر مساعدی را برای شکوفایی هنرها فراهم آورد. هدف این پژوهش، بررسی نقش هنرمندان و صنعتگران مهاجر در شکوفایی تمدن عهد تیمور و مشخص کردن خاستگاه و تخصص آن‌ها است. تلاش می‌گردد به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که با توجه به متون تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی، تیمور؛ هنرمندان و صنعتگران کدام نواحی را به ماوراءالنهر اعزام کرد؟ آن‌ها چه تخصص‌هایی داشتند و در چه زمینه‌هایی به کار گماشته شدند؟ اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده و روش پژوهش، تاریخی-تحلیلی است. نتایج حاکی از آن است که اغلب هنرمندان و صنعتگران، از شهرهای شیراز، اصفهان، تبریز، بغداد، دمشق و دهلی، به سمرقند کوچانده شده بودند. بیش‌تر این افراد، معماران و مهندسانی بودند که به ساخت عمارات گماشته و نقاشان و خوشنویسان مهاجر نیز، به اجرای نقاشی‌های دیواری و کتیبه‌بناها، مشغول می‌شدند. خوشنویسان افزون بر کتیبه‌نگاری ابنیه، کتابت نسخ قرآنی و مراسلات را نیز، عهده‌دار بودند و فلزکاران، اغلب در زمینه ساخت جنگ‌افزارها فعالیت داشتند.

واژه‌های کلیدی:

تیمور، سمرقند، مهاجر، هنرمندان، صنعتگران.

دوره تیمور
نقش هنرمندان و صنعتگران مهاجر در شکوفایی تمدن عهد تیمور

مقدمه

یورش تیمور، یکی از وقایع سرنوشت‌ساز تاریخ پرفراز و نشیب ایران است. این فرمانروای جهانگشا، پس از چند دهه آشوب و هرج و مرجی که به دنبال سقوط حکومت ایلخانی و نبود حکومت مرکزی مقتدر، در کشور رخ داده بود، توانست بار دیگر یکپارچگی و اقتدار را بر قلمروی گسترده‌ای که از مرز چین تا سوریه فراهم آورده بود، برقرار سازد. حکومت‌های محلی سرداران، آل جلایر، آل مظفر و آل کرت، که هریک قلمرویی مستقل داشتند و حتی برای خود، سکه ضرب می‌کردند، یکی پس از دیگری، مغلوب قدرت او شدند. بدیهی است که این فتوحات و لشکرکشی‌ها، با ویرانی‌ها و تلفات جبران‌ناپذیر همراه بود و افراد بسیاری، اسیر یا قتل‌عام می‌شدند. علی‌رغم قساوتی که او در زمان لشکرکشی‌ها داشت؛ اما با استناد به متون تاریخی و با توجه به آثار باقی‌مانده، فرمانروایی هنردوست بود و برای ساختن پایتختی باشکوه و درخور نام خود، به متخصصانی ممتاز نیازمند بود. ماوراءالنهر که به دنبال یورش مغولان، آسیب بسیار دیده بود، در دوره ایلخانی نیز نتوانست، شکوه گذشته خود را تکرار کند و تیمور که از این ناحیه برخاسته بود، کوشید به آن حیاتی دوباره ببخشد. در صفحات کتب تاریخی، به روایاتی در زمینه شناسایی و اعزام هنرمندان و صنعتگران برجسته و نام‌دار نواحی مفتوحه برمی‌خوریم که حاکی از علاقه و گرایش تیمور به هنر و صنعت و تلاش او جهت آبادانی شهرها بوده است. حاصل کوشش‌های او، بناهای شاخصی چون کاخ آق‌سرای شهر سبز، آرامگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان، مسجد بی‌بی‌خانم و گور امیر در سمرقند است که هنوز هم، با گذشت قرن‌ها، استوار هستند و هیبت و شکوه خارق‌العاده خود را، حفظ کرده‌اند. با توجه به اینکه، سیاست هنری تیمور و گردآوری هنرمندان و صنعتگران برجسته نواحی تحت سلطه در پایتخت و پشتیبانی از آنان، در شکل‌گیری بنیان‌های هنر دوره تیموری، نقش بسیار مهمی داشته، بررسی و پژوهش در این زمینه، امری ضروری است. در این مقاله تلاش می‌گردد نقش هنرمندان و صنعتگران مهاجر، در شکوفایی تمدن عهد تیمور و خاستگاه و تخصص آن‌ها، مورد بررسی قرار می‌گیرد و به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که تیمور هنرمندان و صنعتگران کدام نواحی را، به ماوراءالنهر اعزام کرد؟ آن‌ها چه تخصص‌هایی داشتند و در چه زمینه‌هایی، به کار گماشته شدند؟ در این راستا؛ نخست به سیاست هنری تیمور، نگاهی کوتاه خواهد شد. در گام بعد، اطلاعات مربوط به گردآوری هنرمندان و صنعتگران نواحی مفتوحه در جریان یورش‌های او به نواحی مختلف، در متون تاریخی جستجو می‌گردد و با تکیه بر این منابع و داده‌های باستان‌شناسی، خاستگاه و تخصص این مهاجران و آثار به‌جا مانده از آنان، بررسی خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

اطلاعات این پژوهش کیفی، به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و به روش تاریخی - تحلیلی ارائه شده است. بدین منظور، ابتدا متون تاریخی، مورد بررسی قرار گرفته و اطلاعات درباره نام هنرمندان و صنعتگران مهاجر در عهد تیمور، تخصص و ناحیه مبدأ آن‌ها، استخراج گردیده است. در گام بعدی، اطلاعات در زمینه آثار به‌جامانده و فعالیت‌های صورت گرفته توسط معماران، خوشنویسان، نگارگران و فلزکاران مهاجر در این برهه، از لابه‌لای کتاب‌ها و مقالات مرتبط، جمع‌آوری شده است.

پیشینه پژوهش

در متون تاریخی، در زمینه کوچاندن هنرمندان و صنعتگران برجسته نواحی مفتوحه به سمرقند و مشارکت آن‌ها در اجرای فعالیت‌های هنری دوره تیمور، اطلاعات اندک اما ارزنده‌ای ارائه شده است. کلاویخو (۱۳۴۴) در *سفرنامه خود*، منشی قمی (۱۳۵۲) در *گلستان هنر*، ابن عربشاه در کتاب *زندگانی شگفت‌آور تیمور* (۲۵۳۶)، اصفهانی (۱۳۶۹) در *تذکره خط و خطاطان شامل خطاطان، نقاشان، مذهبیان و قاطعان و جلدسازان ایرانی و عثمانی*، میرخوند (۱۳۷۳) در کتاب *روضه الصفا*، حافظ ابرو (۱۳۸۰) در اثر شاخص خود *زبده التواریخ*، خواندمیر (۱۳۸۰) در کتاب *تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، سمرقندی (۱۳۸۳) در کتاب *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، یزدی (۱۳۸۷) در کتاب *مطرح خود ظفرنامه و دوست محمد گواشانی هروی* (۱۳۹۸) در *دیباچه خود بر مرقع بهرام‌میرزا صفوی*، به‌صورت اجمالی به مسئله مذکور اشاره و در مواردی، نام و تخصص هنرمندان و صنعتگران مهاجر را ذکر کرده‌اند. کاوسی (۱۳۸۵) نیز در مقاله

«چگونگی ارتباط تیمور با هنر و هنرمندان» و در کتاب تیغ و تنبور (۱۳۸۹) اطلاعاتی را که در متون تاریخی درباره کوچ هنرمندان و صنعتگران نواحی مفتوحه در این برهه گنجانده شده، گزینش و ارائه کرده است.

دانشدوست (۱۳۵۹) در مقاله «هنر معماری ایران در دوره تیموریان»، ویلبر و گلمبک (۱۳۷۴) در کتاب *معماری تیموری در ایران و توران*، بلر و بلوم (۱۳۸۵) در کتاب *هنر و معماری اسلامی*، هیلن برند (۱۳۸۷) در کتاب *هنر و معماری اسلامی*، بایرون (۱۳۸۷) در مقاله «معماری تیموری، گرایش‌های عمومی» در کتاب *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، پوگاچنکووا (۱۳۸۷) در کتاب *شاهکارهای معماری آسیای میانه سده‌های چهاردهم و پانزدهم میلادی* و اوکین (2019) در مقاله «معماری در دوران حکومت‌های محلی: مظفریان، جلایریان و مشارکت‌های هنری» در کتاب *ایران پس از مغولان*، به صورت مختصر به کوچ معماران دیگر نواحی به ماوراءالنهر؛ در دوره تیمور و ادغام سبک‌های مختلف معماری، اشاره کرده‌اند.

پژوهشگرانی نظیر کومارف (1992) در کتاب *صفحه طلایی بهشت: فلزکاری ایران دوره تیموری*، آلن (۱۳۷۴) در مقاله «فلزکاری» در کتاب *هنرهای ایران، گری* (۱۳۷۹) در مقاله «هنرهای تصویری در دوره تیموری» در کتاب *تاریخ ایران دوره تیموریان پژوهشی از دانشگاه کمبریج*، بلر و بلوم (۱۳۸۵) در کتاب *هنر و معماری اسلامی*، هاراری (۱۳۸۷) در مقاله «فلزکاری پس از آغاز دوره اسلامی» در کتاب *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، احسانی (۱۳۹۰) در کتاب *هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران و مسعودی*، محمودی‌نسب و معروفی‌اقدم (۱۳۹۴) در مقاله «پژوهشی بر هنر فلزکاری دوره تیموری»، به اختصار به مشارکت فلزکاران سرزمین‌های تحت سلطه تیمور در ساخت آثار فلزی شاخص این برهه، پرداخته‌اند.

آژند (۱۳۸۱) در مقاله «سیاست هنری تیمور»، رهنورد (۱۳۸۶) در کتاب *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: کتاب‌آرایی*، گروه و سیمز (۱۳۸۷) در مقاله «نقاشی» در کتاب *هنرهای ایران*، کنای (۱۳۸۹) در کتاب *نگارگری ایرانی*، پاکباز (۱۳۹۲) در کتاب *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، رهنورد (۱۳۹۲) در کتاب *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: نگارگری*، گری (۱۳۹۲) در کتاب *نقاشی ایرانی* و وینگ (2016) در کتاب *جلایریان، تشکیل دولت دودمانی در خاورمیانه مغول*، نام خوشنویسان و نقاشان ممتازی را که تیمور از مناطق فتح شده به سمرقند اعزام کرده بود، ذکر کرده‌اند.

بنابراین در اغلب پژوهش‌ها، تنها به صورت کلی و با استناد به معهود منابع تاریخی، به موضوع کوچاندن هنرمندان و صنعتگران نواحی مفتوحه در عهد تیمور، اشاره شده است و هریک از این پژوهش‌ها، به فراخور محور اصلی خود، تنها هنر خاصی را مدنظر قرار داده‌اند. در واقع تاثیر هنرمندان و صنعتگران مهاجر در شکوفایی تمدن عهد تیمور، علی‌رغم اهمیت بسیاری که دارد، به صورت جامع مورد بررسی قرار نگرفته است. در پژوهش حاضر، تلاش می‌گردد با اتکا به متون تاریخی متعدد و داده‌های باستان‌شناسی، ناحیه مبدأ، تخصص هنرمندان و صنعتگران مهاجر و فعالیت‌هایی که در عهد فرمانروایی تیمور عهده‌دار شدند، مورد بررسی قرار گیرد.

سیاست هنری تیمور

تیمور یکی از خونریزترین و بی‌رحم‌ترین فرمانروایان تاریخ ایران بوده است که در مدت سی‌وشش سال سلطنت، مدعیان قدرت و طغیانگران راه، یکی پس از دیگری سرکوب کرد و به مدد نبوغ نظامی خود، قلمرویی گسترده فراهم آورد که از مرز چین و هند در شرق، تا مصر و شام در غرب راه، دربرمی‌گرفت. به یاری متون تاریخی، می‌توان به لشکرکشی‌های او، دریچه‌ای گشود. یورش‌های تیمور، با حملات سهمگین مغولان، چندان تفاوتی نداشت و با تحمیل خسارات و تلفات جبران‌ناپذیر همراه بود. شهرهایی که راه تسلیم را در پیش می‌گرفتند و به پرداخت باج و خراج رضایت می‌دادند، از هلاکت و ویرانی، جان سالم به در می‌بردند؛ اما اگر مردم مسیر مقاومت، سرپیچی و طغیان را در پیش می‌گرفتند، سپاهیان او، جهنمی خلق می‌کردند که کسی توان فرار از آن را نداشت.

تیمور، افزون بر خشونت و بی‌رحمی، در تاریخ به‌واسطه پشتیبانی گسترده از هنر و صنعت، شهرت دارد. علاقه او به هنرمندان، انتقال آن‌ها به پایتخت و کسب اعتبار از این شیوه، با سلطان محمود غزنوی قابل مقایسه است (برون، ۱۳۳۹، ۴۷۲). گرچه تیمور فرمانروایی سنگدل و خونریز بود و یورش‌های او، جنایات و ویرانی‌های فراوانی به همراه داشت، اما با استناد به گزارش‌های پرشمار

تاریخ‌نگاران، فرمانروایی هردوست بود و از هر سرزمینی که به تصرف خود درمی‌آورد؛ دانشمندان، مهندسان و هنرمندان را با احترام، به ماوراءالنهر اعزام می‌کرد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۲؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۹۶؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۴۹). او سمرقند را کانون تجمع متبحرترین و نام‌آورترین هنرمندان و صنعتگران آن عهد کرد (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۳۱۴) و کوشید با پشتیبانی از بازرگانی، پایتخت خود را به شهری مهم مبدل کند (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۵). بنابراین در زمان وفات او، هنرمندان و دانشوران برجسته و مشهور آن عهد، از دورترین نقاط ترکستان در مشرق تا مصر و شام در مغرب، در سمرقند جمع شده بودند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ۳۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۴۹؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۳۳۴). دستیابی به نیروی انسانی ماهر و ثروت عظیمی که ناشی از جمع‌آوری غنایم جنگی، خراج و مالیات بود، پشتوانه محکمی را برای توسعه هنر و صنعت و پشتیبانی از هنرمندان فراهم آورد (Golombek, 1992, 2). دربار با حمایت گسترده از فعالیت‌های هنری، به اعتبار فرهنگی دست می‌یافت و این اعتبار فرهنگی، نشانی از اقتدار و مشروعیت فرمانروا در نظر رقبای مردم تحت سلطه بود. به دیگر سخن، «اعتبار فرهنگی»، «اعتبار سیاسی» در پی داشت (آژند، ۱۳۹۵، ج ۱، ۲۵۰). بنابراین، به واسطه سیاست هنری تیمور، پایتخت؛ به کانون تجمع هنرمندان و صنعتگران مجرب و ممتاز آن عهد، مبدل شد و در سایه بستر مناسبی که جهت فعالیت و بالندگی آن‌ها فراهم آمده بود، مسیر تحقق آرمان‌ها و جاه‌طلبی‌های این فرمانروای مقتدر، هموار شد. سمرقند پس از چند دهه رکود، به آبادانی و رونق خیره‌کننده‌ای رسید و با عمارات شکوهمندی آراسته شد که هم در نگاه مردم تحت سلطه و هم سفرا و فرمانروایان دیگر نواحی، بازتابی از قدرت و شکوه تیمور بود.

بررسی فعالیت‌های معماران مهاجر در عهد تیمور

در دوره سلطنت تیمور، حمایت فرهنگی به بناسازی و معماری محدود شده بود و در این حمایت، انگیزه‌های سیاسی و مشروعیت‌طلبی دخیل بودند (سابتلی، ۱۳۸۴، ۲۰۷-۲۰۶). بناهایی که با پشتیبانی تیمور ساخته شده‌اند، نشانه‌هایی از اقتدار او هستند و افراط در به‌کارگیری مصالح و تزئینات گرانبها، قدرت و جاه‌طلبی او را نمایش می‌دهند (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۹۹) و مظهر نگاه بلندپروازانه حاکمی هستند که به دنبال ابراز حقانیت خویش در میان مردم ایرانی و ترکی - مغولی بوده است و این بناهای معظم و مجلل، قدرت و توانگری او را، یادآور می‌شوند (کنبای، ۱۳۸۹، ۵۰).

تیمور در میان طبقات یازده‌گانه سلطنت خود، مهندسان را در طبقه هشتم جای داد (حسینی تربتی، ۱۳۴۲، ۲۱۲) و ساخت بناها تا بدانجا برای او حائز اهمیت بود، که در هنگام اجرای عملیات ساخت‌وساز، داروچه‌ها را جهت نظارت بر کار انتخاب می‌کرد تا هر شب، گزارشی از روند اجرای طرح را، به او ارائه دهند. اگر کسی در انجام کار و وظایف خود پیشرفت می‌کرد، پاداش می‌گرفت و اگر کارشکنی کرده بود، توبیخ می‌شد (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۴؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۴۴). کلاویخو نقل کرده است که در زمان حضور او در سمرقند، تیمور به علت کهولت سن، توان اسب‌سواری نداشت و از اینرو هر روز صبح، او را با تخت روان، به محل ساخت مسجد جامع سمرقند می‌آوردند و بیش‌تر مدت را، در آنجا می‌ماند و کارگران را به کار وادار می‌کرد (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۷۸). چنین روایاتی؛ توجه ویژه تیمور را به معماری و ساخت عمارات عالی و باشکوه نشان می‌دهد. تلاش او در زمینه ساخت بناها و مدیریت و نظارت بر اجرای طرح‌های عظیم معماری، حاکی از آن است که او به معماری، به‌عنوان ابزاری نیرومند جهت نمایش قدرت و کسب مشروعیت سیاسی می‌نگریسته و از این رو تمام امکانات خود را، در این راه بسیج کرده بوده است.

بخش اصلی طرح‌های عمرانی تیمور، در سمرقند به اجرا درآمد. او پس از گزینش این شهر به پایتختی، به فعالیت‌های عمرانی گسترده‌ای دست زد و باروی شهر را، بنا کرد و در آن، باغ‌های زیبا و عمارات باشکوه ساخت و در زمانی کوتاه، سمرقند به آبادانی و شکوه رسید و مردم از نواحی مختلف، به این شهر روی آوردند و در آنجا سکونت گزیدند (نطنزی، ۱۳۸۳، ۲۲۴-۲۲۳). در اطراف آن، دهکده‌هایی ساخت و هریک را به نام یکی از شهرهای بزرگ جهان چون دمشق، بغداد، سلطانیه و شیراز، نام نهاد (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۳۰۸). با توجه به نوشته کلاویخو، تیمور افرادی را که از سرزمین‌های مختلف به پایتخت خود آورده بود، در همین نواحی و دره‌های

سمرقند، استقرار داد (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۴). مسجد بی‌بی خانم و بنای گور امیر، از شاخص‌ترین بناهایی هستند که در سایه پشتیبانی تیمور، در پایتخت ساخته شده‌اند.

بخش دیگری از فعالیت‌های عمرانی تیمور به ساخت بناهای عام‌المنفعه نظیر کاریزها، پل‌ها، بیمارستان‌ها و رباط‌ها اختصاص داشته است. او در هر شهر، مسجد، مدرسه و خانقاه ساخت (حسینی تربتی، ۱۳۴۲، ۳۶۹-۳۷۰؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۱) و برای اداره بناهای عام‌المنفعه، روستاهای آباد و مستغلات بسیار وقف کرد (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۳۹۷) و در سرزمین‌های تحت سلطه، به ساخت جوی و نهر پرداخت (خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۴-۱۶۵؛ میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۱۰۴؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۱۲۱). از دیگر اقدامات عمرانی او، تعمیر و بازسازی بناهای مخروبه بود. مرمت قلعه و مسجد ایریاب (خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۴؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۷۴۶-۷۴۷؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۸۸۳) و تعمیر شهر بیلقان (شامی، ۱۳۶۳، ۲۸۹؛ خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۵؛ میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۱۱۳؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۵۱۹؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۰۰۸؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۹۸۷-۹۸۸) که با مشارکت سپاهیان اجرا شد، از مهم‌ترین مصادیق این دسته از اقدامات او، هستند.

در ادامه پژوهش، با بررسی متون تاریخی، کوشش می‌گردد به این مسأله پرداخته شود که تیمور؛ معماران و مهندسان را، از کدام شهرها و نواحی گزینش و به پایتخت خود اعزام کرد و آن‌ها در ساخت کدام بناها، به کار مشغول شدند؟ همچنین داده‌های باستان‌شناسی که موید فعالیت معماران نواحی مفتوحه، در ساخت بناهای عهد تیمور هستند، ارائه خواهد شد.

کاخ آق‌سرا شهر سبز

تیمور برای زادگاه خود، شهر سبز (کش)، حصاری ساخت و در آنجا کاخ آق‌سرا را بنا کرد (شامی، ۱۳۶۳، ۸۱؛ خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۴؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۸۵). با توجه به نوشته سمرقندی، استادانی که او پس از تسلط بر خوارزم با خود به ماوراءالنهر آورده بود، این کاخ را بنا نهادند (سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۵۱۹). در بخش زیرین ضلع شرقی این بنا، بر روی کاشی معرق، امضا استادکار «محمدیوسف تبریزی» وجود دارد و این امر، مشارکت معمار آذربایجانی را نیز، در ساخت این کاخ تایید می‌کند (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۳۷۳). پورتر نیز معتقد است که کاشیکاری معرق این کاخ، توسط هنرمندانی که در مکتب مظفری پرورش یافته‌اند، انجام گرفته است (پورتر، ۱۳۸۹، ۶۸). با استناد به متون تاریخی که تا بدین جا به شماری از آن‌ها اشاره شد، در ساخت بناهای دوره فرمانروایی تیمور، مهندسان، معماران و هنرمندان شهرها و نواحی مختلف همکاری می‌کردند و در مورد این کاخ نیز، با توجه به گزارش سمرقندی و کاشیکاری بنا، معماران آذربایجانی و خوارزمی، مشارکت داشته‌اند و سبک‌ها و سلیقه‌های خود را به اشتراک گذاشته‌اند و به دنبال ادغام آن‌ها، این بنا ساخته شده است.

باغ‌های تیمور در سمرقند

با توجه به متون تاریخی، تیمور به ساخت باغ‌های زیبا و باشکوه، علاقه بسیار داشت (شامی، ۱۳۶۳، ۱۶۷؛ خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۴) به همین سبب، در اطراف و نزدیک سمرقند، باغ‌های سلطنتی نظیر؛ ارم، دلگشا، بهشت، چنار، شمال، تخت قراجه، جهان‌نما و نقش‌جهان را بنا نهاد. باغ‌های تیمور، فضایی محصور با دیوارهای بلند بودند که با سردرهای باشکوهی آذین شده بودند و در مرکز آن‌ها، کوشک یا قصری قرار داشت و دارای نه‌ری اصلی بودند (ویلبر، ۱۳۸۷، ۵۷، ۶۶). تیمور به هنگام یورش به شیراز، تحت‌تأثیر زیبایی و شکوه باغ‌های ارم، دلگشا و جهان‌نما قرار گرفت و باغ‌هایی را به همین نام‌ها در اطراف سمرقند احداث کرد (آریان‌پور، ۱۳۶۵، ۲۲۶) و احتمالاً در ساخت این باغ‌ها، هنرمندان مهاجر شیرازی نقش مهمی داشته‌اند (دانشدوست، ۱۳۵۹، ۹۳).

از باغ‌های سمرقند، که بناهای شاخص و مورد علاقه تیمور بودند، امروزه اثری باقی نمانده است و تنها با بررسی گزارش مورخان، می‌توان درباره ساختار و معماری آن‌ها اطلاعاتی کسب کرد. یزدی به مشارکت مهندسان و بنایان ماهر و سرآمد ممالک و کشورهای مختلف، در ساخت باغ دلگشا به سال ۷۹۹ هـ.ق، در کنار مرغزار کانگل اشاره کرده است (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۸۶۰-۸۵۹). بنایان یکی

از باغ‌های تیمور که در جنوب باغ شمال و به سال ۸۰۷ هـ ق بنا شده بود، اهل مصر و شام بودند. تزیینات عمارت این باغ، همچون بناهای شام، از رخام بود و کاشیکاری آن به دست عمله فارس و عراق اجرا شد (میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۱۱۹؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۲۵۶-۱۲۵۷). از دیگر باغ‌های تیمور، باغ شمال بود که مهندسان توانا و معماران ماهر فارس، عراق، آذربایجان و بغداد در ساخت قصر آن مشارکت داشتند. ستون‌های مرمرین آن از تبریز تهیه شده بود و سطوح دیوارها را با لاجورد و زر، آذین کرده بودند (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۸۵۰-۸۴۹). بنابراین، یکی از فعالیت‌هایی که معماران مهاجر فارس، آذربایجان، عراق، مصر، شام و بغداد، در عهد تیمور به آن مشغول بودند، طراحی باغ‌های باشکوه و ساخت عمارات مجلل در آن‌ها بوده و چنان که ذکر شده است، مصالح آن‌ها، در مواردی از سرزمین‌های دوردست، تامین می‌شد و این امر، نشان از تلاش تیمور، در ساخت بناهای با عظمت و ممتاز بوده است.

آرامگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان

از دیگر بناهای شاخصی که به فرمان تیمور ساخته شد، آرامگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان است که با توجه به متون تاریخی، او پس از ساخت عمارت باغ دلگشا، به زیارت شیخ؛ که از فرزندان محمد حنفیه بود، رفت و فرمان ساخت بنایی باشکوه و مجلل را صادر کرد و اجرای کار را، به عهده مولانا عبیدالله صدر، گذاشت و ساخت بنا در مدت دو سال، به اتمام رسید (خواندمیر، ۱۳۷۲، ۱۶۴؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۴۶۸؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۸۶۳-۸۶۲). با توجه به کتیبه‌ها، بنا توسط دو معمار شیرازی به نام‌های حاجی حسن (...)ییه شیرازی و شمس (بن) عبدالوهاب شیرازی البناء، ساخته شده است (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۳۹۶). با استناد به متون تاریخی این دوره، تیمور در ذی الحجه سال ۷۸۹ هـ ق، خطه فارس را بی هیچ مقاومتی و در ازای دریافت یک‌هزار تومان کپکی، به عنوان مال امانی، به دست آورد (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۹۰) و در سال ۷۹۰ هـ ق، پس از انتساب شاه یحیی به حکومت آن شهر، جماعتی از هنرمندان و پیشه‌وران فارس را، خانه کوچ به سمرقند اعزام کرد (همان، ۵۹۷). احتمالاً معماران شیرازی آرامگاه خواجه احمد یسوی، در جریان همین لشکرکشی، توسط تیمور، از موطن خود به پایتخت برده و سپس به فرمان او، به ساخت یکی از بناهای مهم و معظم آن عهد در ترکستان، مشغول شدند.

بر روی قاب مستطیلی اطراف محراب صفا عمر مسجد جامع اصفهان که در فاصله سال‌های ۷۷۸-۷۶۸ هـ ق ساخته شده است، امضاء معماری به نام فخر بن عبدالوهاب شیرازی البناء وجود دارد. ویلبر و گلمبک به مطابقت کاشی معرق، مقرنس‌ها و ایوان این بنا با آرامگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان، اشاره کرده‌اند (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۵۴۰). می‌توان چنین استنباط کرد که احتمالاً معمار آرامگاه ترکستان، شمس (بن) عبدالوهاب شیرازی البناء و معمار صفا عمر مسجد جامع اصفهان، فخر بن عبدالوهاب شیرازی البناء، برادر بوده‌اند. با توجه به انتساب آن‌ها به شیراز، این استادان، پرورش یافته معماری آل مظفر بوده‌اند و این امر تشابه معماری دو بنای مذکور را، توجیه می‌کند. بدین ترتیب؛ سنت‌ها و ویژگی‌های معماری مظفری، در ساخت آرامگاه خواجه احمد یسوی، موثر بوده است.

مسجد جامع سمرقند

این مسجد، یکی از شاخص‌ترین بناهای به‌جا مانده از عهد فرمانروایی تیمور است. ساخت آن در متون تاریخی این دوره، بازتاب گسترده‌ای دارد و این مسأله، اهمیت مسجد جامع سمرقند را، نشان می‌دهد. تیمور پس از تسلط بر هند و بازگشت به پایتخت، فرمان ساخت این مسجد را صادر کرد و خود، در مراحل ساخت بنا، در محل حضور می‌یافت و بر امور نظارت می‌کرد (شامی، ۱۳۶۳، ۲۱۲). کارگران و استادکاران مجرب- که هر یک سرآمد مملکتی بودند- به پی‌ریزی و استحکام‌بخشی آن پرداختند و دویست تن از سنگ‌تراشان آذربایجان، فارس و هندوستان و دیگر ممالک و صنعتگران و پیشه‌وران نواحی مختلف، جهت کار در مسجد، استخدام شدند. پانصد نفر، به بریدن سنگ کوه‌ها و انتقال آن‌ها به شهر مشغول شدند و نود و پنج فیل غول‌پیکر، که از کشور هند به سمرقند آورده شده بود، مصالح و لوازم را جمع‌آوری می‌کردند (میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۰۹۰؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۲، ۸۱۰-۸۰۹؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۹۹۱-۹۹۰). استادان بصره و بغداد، مقصوره، صف‌ها و میانسرای مسجد را، بنا نهادند و قالی‌های ابریشمی را هنرمندان فارس و کرمان و

قندیل‌های طلاکاری شده را حلبیان، ساختند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۳-۲۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۴۲). ساخت این بنا تا بدانجا برای تیمور اهمیت داشت که پس از آگاهی از کوتاه بودن سردر مسجد، دستور تخریب و ساخت سردری رفیع‌تر را داد و دو تن از وزرای خود به نام‌های محمود داود و محمد جلد را، به سختی مجازات کرد (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۷۸؛ ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۲۲۷-۲۲۶؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ۱۲۵۵). با توجه به آنکه تیمور تلاش می‌کرد برای خود وجهه مذهبی بسازد، ساخت مسجدی معظم و مجلد در پایتخت، برای او اهمیت بسیار داشت. معماران آن از نواحی مختلف شرق و غرب گزینش شده بودند و حتی جهت تهیه لوازم مسجد، از جمله قالی‌های و قندیل‌ها، هنرمندان و صنعتگران ممالک مختلف، به کار گماشته شده بودند، تا بنایی باشکوه، ایجاد کنند.

بنای گور امیر در سمرقند

این بنا نیز از دیگر بناهای شاخص سمرقند است و در کتیبه سردر ورودی آن، نام معمار ذکر شده است: «محمد بن محمود البناء الاصفهانی» (تصویر ۱). انتساب این معمار به شهر اصفهان، علت تشابه کاشی‌های بنا را با بناهای ناحیه اصفهان روشن می‌سازد (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۳۵۳). با توجه به کتیبه‌ها، اسمعیل بن طاهر بن محمود البناء اصفهانی، معمار مدرسه الغیبیگ در بخارا است (همان، ۳۰۲). احتمال دارد این معمار که به خدمت نوه تیمور درآمد، برادرزاده معمار بنای گور امیر باشد.



تصویر ۱. سمرقند، کتیبه سردر ورودی بنای گور امیر، امضاء استاد محمد بن محمود البناء الاصفهانی. مأخذ: (URL1).

بنابراین، در کنار اشارات مورخان، امضاء هنرمندان شیرازی، اصفهانی و تبریزی در بناهای شاخصی که در دوره فرمانروایی تیمور ساخته شده‌اند، بر کوچ معماران و مهندسان دیگر ممالک و به‌ویژه نقش مهم استادان ایرانی در شکوفایی معماری این عهد، صحنه می‌گذارد (جدول ۱). ویژگی‌هایی نظیر گنبد‌های دو پوسته، به‌کارگیری سنگ‌های تراشیده شده، تزئینات آجر لعابدار و کاشیکاری - که در آسیای مرکزی پیش از سلطنت تیمور، تکنیکی نسبتاً نادر بود - نتیجه آمیختگی سبک‌های هنرمندانی بود که از مناطق تسخیر شده، در ماوراءالنهر جمع شده بودند (گولومبک، ۱۳۸۴، ۵۳؛ Lentz & Lowry, 1989, 29). در این دوره، به دنبال مهاجرت معماران مناطق مرکزی و جنوبی ایران به مراکز قدرت تیموری، اسلوب معماری آل مظفر، تداوم یافت (هیلن‌برند، ۱۳۸۷، ۲۱۲)؛ بنابراین می‌توان شاهکارهای معماری آل مظفر را، به‌عنوان پیشگامان بسیاری از نوآوری‌های فرم و تزئینات معماری تیموری در نظر گرفت (O'Kane, 2019, 211). استادکاران به‌ویژه کاشیکاران شیرازی و اصفهانی، فنونی را که پیش از این در اصفهان، یزد و کرمان به کمال رسیده بود، در ماوراءالنهر اجرا کردند (بایرون، ۱۳۸۷، ج ۳، ۱۳۲۴). با توجه به کاشیکاری‌های بناهای ایران در سده هشتم هجری، هنرمندان ایرانی که تیمور آن‌ها را با خود به سمرقند برد، کاشیکاری به‌ویژه کاشی معرق را به آسیای میانه معرفی کردند (برند، ۱۳۸۳، ۱۲۸؛ Soustiel & Porter, 2003, 199). در شکل‌گیری معماری این دوره، معماران ایرانی نقش مهمی داشته‌اند. اغلب این معماران،

پرورش یافته معماری مظفری بودند و به همین دلیل بسیاری از ویژگی‌های این سبک به ویژه کاشیکاری معرق را از مرکز و جنوب ایران به نواحی شرقی انتقال دادند و این نوع کاشی به تزیین غالب بناهای تیموری مبدل شد.

جدول ۱. نام معماران مهاجر در کتیبه بناهای به جا مانده از دوره تیمور. مأخذ: (نگارندگان).

نام معمار	بنا
محمدیوسف تبریزی	کاخ آق‌سرا- شهر سبز
حاجی حسن شیرازی	آرامگاه خواجه احمد یسوی - ترکستان
شمس (بن) عبدالوهاب شیرازی	
محمد بن محمود البناء الاصفهانی	گور امیر- سمرقند

بررسی فعالیت‌های نقاشان مهاجر در عهد تیمور

بررسی متون تاریخی نشان می‌دهد که در میان هنرمندانی که تیمور از سرزمین‌های تسخیرشده به سمرقند اعزام کرده بود، نقاشان نیز حضور داشتند و در محدود مواردی، به نام این هنرمندان و فعالیت‌های آن‌ها در عهد تیمور، اشاره شده است. تیمور پس از سرکوب سلطان احمد جلایر و تسلط بر بغداد، هنرمندان، صنعتگران و پیشه‌وران سرآمد آن شهر را، به همراه همسران سلطان احمد و پسرش علاءالدوله به سمرقند فرستاد (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۷۳۵) و از میان نقاشان، خواجه عبدالحی بغدادی را، همراه لشکریانش به پایتخت اعزام کرد (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۳۱۴). خواجه عبدالحی تا پایان عمر، در آن شهر سکونت گزید و بعد از فوت، همه استادان از کارهای او پیروی می‌کردند و از میان شاگردانش، پیراحمد باغشمالی، هنرمندی شاخص و یکه‌تاز بود (گواشانی هروی، ۱۳۹۸، ج ۱، ۳۲۸). سلطان احمد جلایر، یکی از هنردوستان و هنرپروران بزرگ آن عهد بود و به واسطه پشتیبانی او، مکتب نگارگری جلایری، به شکوفایی رسید و نسخ خطی نفیسی خلق شد. اعزام نقاش سرشناس دربار او؛ یعنی عبدالحی و شاگردانی که در دامان او پرورش یافتند، راه را برای انتقال سنت هنری جلایری به نگارگری دوره تیموری، هموار ساخت.

علی‌رغم گزارش مورخان درباره مهاجرت نقاش سرشناس آن عهد به سمرقند، هیچ‌گونه نقاشی که بتوان با اطمینان کامل به سمرقند و پشتیبانی تیمور نسبت داد، برجای نمانده است (راکسپورو، ۱۳۸۴، ۴۶؛ کونل، ۱۳۸۷، ج ۵، ۲۱۰۷). محتملاً بی‌سواد تیمور، موجب بی‌علاقگی او به نسخ خطی شده بوده است (کنبای، ۱۳۸۹، ۵۰). از سوی دیگر با توجه به نوشته دوغلات، عبدالحی که از سرشناس‌ترین نقاشان مهاجر این برهه بوده، در اواخر عمر، توبه کرده و آثار خود را از بین برده است (دوغلات، ۱۳۸۳، ۱۳۲). این امر نیز در فقدان آثار نگارگری دوره فرمانروایی تیمور دخیل بوده است. همچنین لشکرکشی‌های پیاپی و طولانی به نواحی دوردست و تمرکز تیمور بر فعالیت‌های عمرانی و توجه و علاقه به معماری نیز، به او مجال چندانی جهت پشتیبانی از ساخت نسخ خطی و شکوفایی کتاب‌آرایی نمی‌داد.

با این وجود، ابن عربشاه به نقاشی‌های دیواری کاخ‌های تیمور اشاره کرده است که چهره تیمور، فرزندان، نوادگان و فرماندهان او، میدان نبرد، شکست دشمنان، تعظیم سلاطین در برابر تیمور، پیشکش‌ها و هدایای نمایندگان سرزمین‌های مختلف و ساقیان و رامشگران، موضوع اصلی آن‌ها را، تشکیل می‌داده است (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۳۰۸-۳۰۷). با استناد به نوشته شرف‌الدین علی یزدی، سطوح دیوارهای قصر باشکوهی که به فرمان تیمور در باغ شمال نوه او، بیکیسی سلطان بنا شده بود نیز به نقاشی‌های زیبایی که با لاجورد و زر اجرا کرده بودند، مزین شده بود (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۸۴۸). احتمال دارد با توجه به تشابه نام این باغ به نام پیراحمد باغشمالی - یکی از نقاشان شاخص دوره تیموری که با توجه به دیباچه دوست‌محمد، از شاگردان عبدالحی بود و سپس به ریاست کتابخانه اسکندر سلطان منسوب شد - هنرمند یادشده یکی از نقاشان این قصر و یا نقاش اصلی آن بوده باشد (رایبسن، ۱۳۷۷، ۸۵-۸۴). بابر نیز در خاطرات خود، به نقاشی جنگ تیمور در هندوستان، در کوشک باغ دلگشا اشاره کرده است (ویلبر و گلمیک، ۱۳۷۴، ۷۱). از دوره فرمانروایی تیمور، نقاشی‌های دیواری آرامگاه شیرین‌بیک آقا در مجموعه شاه زنده سمرقند، باقی مانده است (شراتو و

گروبه، ۱۳۷۶، ۴۵-۴۴). گرچه این بنا به خواهر تیمور تعلق دارد و نمی‌توان این دیوارنگاره را به پشتیبانی تیمور نسبت داد؛ اما این اثر به نوعی ویژگی‌های نقاشی‌های دیواری عهد او را، نشان می‌دهد. با ارزیابی متون تاریخی، چنین استنباط می‌شود که در دوره فرمانروایی تیمور، با توجه به اهمیت معماری و ساخت بناهای متعدد، نقاشان برجسته‌ای که او در سمرقند گردهم آورد، نه در مصورسازی نسخ خطی، بلکه در زمینه اجرای دیوارنگاره‌های بناهای باشکوه، به کار گماشته شدند.

بررسی فعالیت‌های خوشنویسان (کاتبان) مهاجر در عهد تیمور

خوشنویسان از دیگر هنرمندانی بودند که از سرزمین‌های فتح شده به پایتخت اعزام شدند و با توجه به نوشته‌های ابن عربشاه، از میان خوشنویسان مهاجر، سه تن بسیار شاخص بوده‌اند: سید خطاط ابن‌بندگیر، عبدالقادر و تاج‌الدین سلمانی (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۳۱۱). از میان این سه خطاط، اطلاعات بیش‌تری درباره ابن‌بندگیر باقی مانده است. او که بر خوشنویسان آن عهد، برتری داشت (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۵۳۰)، خواهرزاده خواجه عبدالله صیرفی بود و نزد او خطاطی را فراگرفته بود (روملو، ۱۳۵۷، ۱۸۵؛ گواشانی هروی، ۱۳۹۸، ج ۱، ۳۲۱) و به هنگام تسلط تیمور بر آذربایجان، به سال ۷۸۸ هـ.ق، از تبریز به پایتخت اعزام شد. در متون تاریخی به نگارش نامه ارسالی تیمور به پادشاه مصر، به طول هفتاد و عرض سه گز، با آب طلا توسط او اشاره شده است (منشی قمی، ۱۳۵۲، ۲۵؛ اصفهانی، ۱۳۶۹، ۲۱۴؛ میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۱۲۰؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۶۳). در کتیبه آرامگاه تومان آقا در مجموعه شاه زنده سمرقند، که به سال ۸۰۸ هـ.ق ساخته شده است، در قسمت جز سمت چپ، نام او ثبت شده است: «کتیبه شیخ محمد بن حاجی بندگیر الطغرائی تبریزی» (ویلبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۳۳۵). بنابراین این خوشنویس سرشناس، افزون بر نگارش نامه‌ها و فرامین دولتی، در کتیبه‌نگاری بناهای آن دوره نیز فعالیت داشته است.

دیگر خوشنویس سرشناسی که ابن عربشاه از او نام برده، عبدالقادر است که خراسانی بوده و به شیوه یاقوت خوشنویسی می‌کرده و از او، مصحف مذهبی در مسجد جامع سلطان سلیم و مصحف دیگری نیز در ینی جامع موجود است (اصفهانی، ۱۳۶۹، ۷۸). امیرمحمد بدرالدین تبریزی از دیگر خوشنویسان عهد تیمور است که درباره فعالیت‌های او اطلاعاتی در دسترس است. انتساب او به شهر تبریز، حکایت از مهاجرت او از این شهر به ماوراءالنهر دارد. این کاتب برجسته، یکی از وزرای تیمور نیز بوده است (محمدحسن، ۱۳۲۰، ۷۰). درباره زندگانی و فعالیت‌های این هنرمند، حبیب اصفهانی اطلاعات بیش‌تری ارائه داده است. بر اساس نوشته او، این کاتب، داماد میرعلی تبریزی، واضع خط نستعلیق بوده و این خط را از او تعلیم گرفته بوده و تبحر او در نستعلیق نویسی، به آن میزان بوده که استاد، خط او را بر خط فرزندش میرعبدالله، ترجیح می‌داده است. بدرالدین، افزون بر استادی در اقلام سته، خط کوفی را نیز زیبا تحریر می‌کرده است. او در اردوی تیمور، به امر کتابت اشتغال داشته، به فرمان او، هفت جلد قرآن تحریر کرده که چهار جلد به قلم نسخ و سه جلد، به قلم ثلث بوده است. از دیگر فعالیت‌های این خوشنویس، نگارش مراسلات تیمور بوده و افزون بر نامه هفتاد ذراعی به سلطان مصر درباره تعیین سرنوشت سلطان احمد جلایر و قرایوسف ترکمانی، که در بند او بودند، بیست و چهار نامه دیگر، به قلم تعلیق و ترسل، جهت ارسال به فرمانروایان نواحی مجاور قلمرو تیمور، روی کاغذ خانبالغ و ابریشم، کتابت کرده بوده است (اصفهانی، ۱۳۶۹، ۸۸-۸۷). به‌طور کلی از میان خوشنویسانی که تیمور از نواحی تسخیر شده با خود به ماوراءالنهر برد، درباره فعالیت‌های سه تن از آنها اطلاعاتی در دست است: ابن‌بندگیر تبریزی، عبدالقادر خراسانی و بدرالدین تبریزی. با استناد به گزارش‌های مورخان، این افراد به عنوان کاتب به خدمت تیمور درآمدند و به نگارش نامه‌ها و فرامین حکومتی مشغول شدند و با توجه به باورهای مذهبی تیمور، نسخ قرآنی متعددی را، برای او تحریر کردند که امروزه نمونه‌هایی از آن به خط عبدالقادر، به‌جامانده است. از سوی دیگر، همچنان که پیش از این اشاره شد، تیمور به معماری اهمیت بسیار می‌داد و کتیبه‌های متعدد با مضامین مختلف، در بناها اجرا می‌شد. امضاء خوشنویس مطرحی چون ابن‌بندگیر تبریزی، در آرامگاه تومان آقا، بر این امر که خوشنویسان مهاجر در کتیبه‌نگاری بناها، مشارکت داشته‌اند، صحنه می‌گذارد.

توجه تیمور به صنعت و گردآوری صنعتگران نواحی مفتوحه

افزون بر هنرمندان و به‌ویژه مهندسان و معماران، تیمور برای شکوه بخشیدن به پایتخت و دربار خود، به صنعتگران برجسته و ماهر نیز نیازمند بود، تا به مدد مهارت آن‌ها، لوازم زندگی و به‌ویژه جنگ‌افزارهای مورد نیاز را، تامین کند. با توجه به تروکات تیموری، او، سلطنت خود را بر دوازده طایفه استوار کرد و صنعتگران را که در سفر و حضر، مایحتاج سپاه را تهیه می‌کردند، طایفه یازدهم قرار داد (حسینی تربتی، ۱۳۴۲، ۲۱۶-۲۰۴). این نوشته، توجه ویژه تیمور را به صنعتگران آشکار می‌کند.

به دنبال تهاجم مغولان به خراسان و ماوراءالنهر و وقوع قتل و غارت گسترده، بسیاری از صنعتگران و پیشه‌وران جان خود را از دست دادند و یا به نواحی دیگر مهاجرت کردند. افزون بر آن، شناسایی صنعتگران ممتاز شهرهایی چون فناکت، سمرقند، خوارزم، غزنه، مرو و نیشابور و اعزام آن‌ها به پایتخت مغولان (جویی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۷۰، ۷۱، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۰) موجب تهی شدن این نواحی از صنعتگران متبحر شد و این شرایط تا آغاز پادشاهی تیمور، تداوم یافت. او که به صنعتگران و پیشه‌وران، علاقه‌مند بود (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۲۹۷) کوشید با اعزام صنعتگران نامی شهرها و نواحی تحت سلطه، به صنعت بی‌جان ماوراءالنهر، حیاتی دوباره ببخشد و دربار و پایتختی پررونق بسازد. احتمالاً این صنعتگران، خود مشتاق ورود به پایتخت بودند؛ زیرا تیمور که در دوران اقتدار خود به سر می‌برد، می‌توانست نسبت به حکام مغلوب، برای آن‌ها تکیه‌گاه قوی‌تری باشد (وارد، ۱۳۸۴، ۲۵).

به فرمان او، هنگام فتح دهلی که با کشتار فجیع مردم و غارت گسترده اموال آن‌ها همراه بود، از میان اسرا، چندین هزار صنعتگر و پیشه‌ور را، میان شاهزادگان، آغایان و امرا، تقسیم کردند (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۹۴۱؛ خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۴۷۸) و در زمان تسخیر و غارت خوارزم در سال ۷۸۱ هـ.ق، هنرمندان و پیشه‌وران را، به سمرقند کوچاندند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۴۲۹؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۸۳). پیشه‌وران فارس، از دیگر افرادی بودند که تیمور آن‌ها را پس از تسلط بر آن ناحیه، به سال ۷۸۹ هـ.ق و بار دیگر در سال ۷۹۰ هـ.ق، خانه‌کوچ؛ به پایتخت اعزام کرد (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۹۸، ۳۲۰). او در زمان تسلط بر آذربایجان، پیشه‌وران تبریزی (میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۰۴۴؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۶۳) و پس از سرکوب سلطان احمد جلایر و تصاحب ذخائر و نفائس او، صنعتگران بغدادی را، به سمرقند فرستاد (یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۷۳۶). بسیاری از این صنعتگران و پیشه‌وران، در اجرای تشریفات بزم‌های شاهانه تیمور و ساخت چهارطاق‌ها و آراستن چادرهای سلطنتی، به فعالیت مشغول می‌شدند (خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۵۲۹-۵۲۸؛ حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۲، ۱۰۲۷-۱۰۲۸).

در برخی موارد، تخصص صنعتگران و پیشه‌وران مهاجر ذکر شده است. بنا به گزارش ابن عربشاه، تیمور پس از تسلط بر دمشق، از میان صنعتگران، کسانی را که در پارچه‌بافی، جامه‌دوزی، درودگری، سنگتراشی، بیطاری، پزشکی، خیمه‌دوزی، نقاشی، کمان‌سازی، بازدار و نظایر آن، مهارت داشتند، گزینش کرد و با سپاهیان خود به سمرقند فرستاد (ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۱۶۵). کلاویخو نیز به انتقال کمان‌سازان، بافندگان، زره‌سازان، شیشه‌گران و چینی‌سازان متبحر دمشقی و گروهی از تفنگ‌سازان و زرگرهای ماهر ترکیه، اشاره کرده است (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۵).

با ارزیابی اطلاعاتی که در زمینه انتقال صنعتگران سرزمین‌های تسخیر شده در متون تاریخی ارائه شده است، می‌توان گفت که در اغلب موارد، مورخان به ذکر کلی گردآوری صنعتگران اکتفا کرده‌اند و تنها در مواردی معدود، به تخصص آن‌ها اشاره شده است. صنعتگران در ذیل عناوینی نظیر محترفه، پیشه‌ور، پیشه‌کار، ارباب حرفت و صنعت معرفی شده‌اند که مشاغلی چون آهنگری، نجاری، پارچه‌بافی، کمان‌سازی، شیشه‌گری و چینی‌سازی را، دربر می‌گرفته است. ابن عربشاه، حرفی نظیر پزشکی، بیطاری و بازدار را نیز جزو گروه صنعتگران، قرار داده است (جدول ۲).

جدول ۲. شهر یا ناحیه مبدا و تخصص صنعتگران مهاجر در دوره تیمور. مأخذ: (نگارندگان).

منبع اطلاعات	تخصص مهاجران	شهر یا ناحیه
(کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۵)	کمان‌سازی، بافندگی، زره‌سازی، شیشه‌گری و چینی‌سازی	دمشق

(ابن عربشاه، ۲۵۳۶، ۱۶۵)	پارچه‌بافی، جامه‌دوزی، درودگری، سنگتراشی، بیطاری، پزشکی، خیمه‌دوزی، نقاشی، کمان‌سازی، بازداری و امثال آن	
(کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۵)	تفنگ‌سازی، زرگری	ترکیه
(یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۴۸۳)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه پیشه‌کاران)	خوارزم
(میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۰۴۴)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه پیشه‌وران)	آذربایجان
(یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۶۲)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه پیشه‌کاران)	
(یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۹۷، ۷۲۰)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه‌های محترفه و پیشه‌وران)	فارس
(یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۷۲۰)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه‌های محترفه و پیشه‌وران)	عراق (عجم)
(خواندمیر، ۱۳۸۰، ج ۳، ۴۷۸)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه‌های ارباب حرفت و صناعات)	هند
(یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۹۴۰)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه‌های اهل حرفت و پیشه‌وران، ارباب صنعت و حرفت)	
(یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۷۳۵)	عدم اشاره به تخصص مهاجران (ذکر واژه‌های محترفه و پیشه‌وران)	بغداد

بررسی فعالیت‌های فلزکاران مهاجر در عهد تیمور

فلزکاری را می‌توان از صنایع مهم و مورد توجه تیمور به‌شمار آورد که در مقایسه با دیگر صنایع این برهه، اطلاعات و آثار بیش‌تری در این زمینه در دسترس پژوهشگران قرار گرفته است. فلزکاری خراسان که دوران باشکوهی را در سده‌های پنجم و ششم هـ.ق، پشت‌سر گذاشته بود، به دنبال یورش مغولان و فرار و مهاجرت صنعتگران ایرانی، روبه زوال رفت و در دوران ایلخانی نیز، نتوانست شکوه و عظمت گذشته خود را تکرار کند. با قدرتگیری تیمور و تلاش او جهت رونق بخشیدن به موطن و مقر حکومت خود و حضور فلزکاران ماهر دیگر سرزمین‌ها در سمرقند، در راستای احیای فلزکاری، گامی برداشته شد و مرکزیت فلزکاری از غرب به شرق ایران، منتقل گردید.

در متون تاریخی، در مواردی معدود به صراحت به کوچ فلزکاران نواحی مختلف به سمرقند، اشاره شده است. همچنان که اشاره شد؛ با توجه به روایت کلاویخو، تیمور، زره‌سازان ماهر دمشقی و تفنگ‌سازان و زرگرهای متبحر ترکیه را، به سمرقند آورده بود (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۵). مورخان به مشارکت حلبیان، در ساخت قندیل‌های طلاکاری شده مسجد جامع سمرقند، اشاره کرده‌اند (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۳-۲۲؛ سمرقندی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۴۲).

تهیه جنگ‌افزارهای کارآمد برای سپاه عظیم تیمور که اغلب اوقات خود را به نبردهای بزرگ در گوشه‌وکنار صرف می‌کرد، امری ضروری بود. از اینرو با توجه به روایت کلاویخو، تیمور توپسازان و توپچیان را، از همه‌جا گردآوری می‌کرد (کلاویخو، ۱۳۴۴، ۲۸۵) و درون حصار او، بیش از هزار کارگر، به‌صورت شبانه‌روزی، به ساخت زره، خود و تیروکمان مشغول بودند و از مهم‌ترین تولیدات آن‌ها؛ زره فولادین بود که پشت آن را با کرباس سرخ می‌پوشاندند (همان، ۲۸۹-۲۸۷). بنابراین می‌توان استنباط کرد که اغلب فلزکاران در تهیه جنگ‌افزارهای مورد نیاز سپاهیان تیمور فعالیت می‌کردند.

فلزکاری ایران در سده هشتم هـ.ق، دوره‌ای از زوال و انحطاط را سپری کرد و در این برهه، قالب‌های قبل از تیموریان بار دیگر تولید و فلزکوبی خشن‌تر و ناپخته‌تر از گذشته شد (شراتو و گروه، ۱۳۷۶، ۵۸). قدیمی‌ترین آثار فلزی دوره تیموریان، دیگ بزرگ و شش شمعدان متعلق به آرامگاه خواجه احمد یسوی است. تیمور همواره به صوفیان، ارادت بسیار داشت و این آثار با ساختار ساده و مستحکم و مقیاس چشمگیر خود، وفاداری تیمور را، به خواجه تأیید می‌کنند (Lentz & Lowry, 1989, 29). این اشیا اثبات می‌کند که فلزکاران ماهر نواحی تسخیر شده که توسط تیمور، به آسیای مرکزی انتقال یافتند، زمینه را برای توسعه صنعت فلزکاری سلطنتی جدید، فراهم کردند (Komaroff, 1992, 31).

دیگ بزرگ آرامگاه (SA-15930) که برای وضوگرفتن به کار برده می‌شده، در شوال ۸۰۱ هـ.ق، به وسیله عبدالعزیز بن شرف‌الدین تبریزی امضا شده است (تصویر ۲) (گری، ۱۳۷۹، ج ۶، ۴۱۰؛ هیلن‌برند، ۱۳۸۷، ۲۱۷). این ظرف با بیش از دو تن وزن، به‌صورت

یکپارچه در محل ریخته‌گری شده است (Komaroff, 1992, 21؛ وارد، ۱۳۸۴، ۲۲) و با توجه به استقرار بنای آرامگاه، در منطقه‌ای متروک، تامین مواد اولیه، سوخت و نیروی کار جهت ساخت این اثر معظم، مستلزم تلاش بسیار بوده است (بلر و بلوم، ۱۳۸۵، ۷۱). مورخان به انتقال پیشه‌وران تبریزی به پایتخت، اشاره کرده‌اند (میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۰۴۴؛ یزدی، ۱۳۸۷، ج ۱، ۵۶۳) و محتمل است که سازنده این دیگ، در جریان لشکرکشی‌های تیمور به این شهر و گردآوری صنعتگران ماهر آنجا، به ماوراءالنهر انتقال یافته و به فرمان امیر، به ساخت این اثر معظم، گماشته شده است.



تصویر ۲. موزه ارمیتاژ، دیگ آرامگاه خواجه احمد یسوی با امضاء عبدالعزیز بن شرف‌الدین تبریزی. مأخذ: (بلر و بلوم، ۱۳۸۵، ۷۰)

شمعدان‌های برنزی آرامگاه نیز، که با طلاکوبی و نقره‌کوبی تزئین شده‌اند، امروزه به موزه‌های دولتی گرجستان، ارمیتاژ و لوور تعلق دارند و یک مورد نیز، در ساختمان آرامگاه محفوظ است. برند معتقد است که این آثار، از نوعی شمعدان رایج در میان خانان قبیچاق، تقلید شده‌اند (برند، ۱۳۸۳، ۱۳۶). شمعدان‌ها، دربردارنده کتیبه عربی هستند که به فرمان تیمور، جهت ساخت آن‌ها اشاره دارند. دو مورد از این شش شمعدان، امضاء هنرمندی به نام عزالدین بن تاج‌الدین اصفهانی دارد: نخستین مورد با تاریخ ۷۹۸ هـ ق که در این آرامگاه نگهداری می‌شود و دومین نمونه به تاریخ رمضان ۷۹۹ هـ ق به موزه ارمیتاژ لنینگراد تعلق دارد (شراتو و گروبه، ۱۳۷۶، ۵۸-۵۹؛ هاراری، ۱۳۸۷، ج ۶، ۲۹۰۳). امضا این فلزکار، بر روی کوبه‌های برنزی نقره‌کوب و طلاکوب سردر اصلی بنا و در ورودی آرامگاه، به صورت «فی سنه تسع و تسعين و سبعمائه عمل عبد ضعيف عزالدین بن تاج‌الدین السکی» و «عمل عبد ضعيف عزالدین بن تاج‌الدین اصفهانی» نیز به چشم می‌خورد (ویلیبر و گلمبک، ۱۳۷۴، ۳۹۶؛ Tekin, 2012, 1142). محتمل است این فلزکار، در جریان تسلط تیمور بر اصفهان به سال ۷۸۹ هـ ق، که با کشتار فجیع مردم شهر همراه بود (یزدی، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۸۹-۵۸۷؛ میرخوند، ۱۳۷۳، ج ۶، ۱۰۴۹-۱۰۴۸) به ماوراءالنهر اعزام شده باشد.



تصویر ۳. موزه لوور، شمعدان آرامگاه خواجه احمد یسوی (OA 7080) با نام امیر تیمور گورکان. مأخذ: (URL2)

نتیجه‌گیری

هنرمندان و صنعتگران ممتازی که توسط تیمور، از نواحی فتح شده به سمرقند اعزام شدند، در شکل‌گیری تمدن آن برهه و پس از آن، نقش اساسی داشتند و بنیان‌های هنر تیموری را، پایه‌گذاری کردند. با استناد به گزارش متعدد مورخان، در دوره لشکرکشی‌ها و فتوحات

تیمور، هنرمندان و صنعتگران برجسته و نام‌دار هر شهر، از آسیب و گزند سپاهیان، مصون می‌ماندند و با هدف اجرای طرح‌های بزرگ و جاه‌طلبانه‌ای که او در ذهن می‌پروراند، به پایتخت گسیل می‌شدند. با توجه به تمرکز تیمور بر فعالیت‌های عمرانی و معماری، که اغراض سیاسی در آن دخالت داشت و در راستای کسب مشروعیت سیاسی بود، در متون تاریخی؛ به کرات به مشارکت استادکاران، معماران و مهندسان نواحی تحت سلطه او، در ساخت بناهای شاخصی چون کاخ آق‌سرا در شهر سبز و مسجد جامع سمرقند، اشاره شده است و امضای معماران شیرازی، اصفهانی و تبریزی، در بناهای به‌جامانده از دوره فرمانروایی تیمور، صحت این گزارش‌ها را تایید می‌کند. با توجه به بناهای مظفری اصفهان، یزد و کرمان، می‌توان نتیجه گرفت که در شکل‌گیری معماری دوره تیموری، معماری آل مظفر نقش پررنگی داشته است و به دنبال کوچ هنرمندان شیرازی و اصفهانی، مسیر انتقال این سبک معماری از نواحی مرکز و جنوب ایران به ماوراءالنهر، هموار شده است و معماری تیموری، ویژگی‌هایی چون گنبد دو پوسته و به‌ویژه کاشیکاری معرق - که به تزئین اصلی بناهای این عصر مبدل شد- را از معماری آل مظفر به ارث برده است.

خوشنویسان از دیگر هنرمندانی بودند که تیمور، از نواحی مختلف با خود به سمرقند برد. آن‌ها در زمینه نگارش نامه‌ها و فرامین حکومتی و تحریر نسخ قرآنی، به‌کار مشغول می‌شدند و با توجه به امضای به‌جامانده از آن‌ها، در زمینه کتیبه‌نگاری بناها نیز فعالیت داشتند. گرچه تیمور به نسخ خطی، علاقه چندانی نداشت و در زمینه پشتیبانی از کتاب‌آرایی و برپایی کتابخانه-کارگاه هنری سلطنتی، اقدامی نکرد؛ اما محتمل است که با توجه به متون تاریخی، نقاشان مهاجر، مسئولیت اجرای نقاشی‌های دیواری کاخ‌های او را، برعهده داشته‌اند.

با توجه به لشکرکشی‌های پیاپی تیمور، تامین جنگ‌افزارها، اهمیت بسیار داشت و فلزکارانی که به‌ویژه از دمشق و ترکیه در سمرقند گردهم آمده بودند، اغلب در زمینه ساخت توپ، خود، زره و تیروکمان فعالیت داشتند. امضای هنرمندانی که بر روی دیگ، شمعدان‌ها و کوبه‌های در آرامگاه خواجه احمد یسوی در ترکستان، حک شده است، بر مهاجرت فلزکاران تبریزی و اصفهانی در دوره تیمور به ماوراءالنهر صحنه می‌گذارد.

منابع

- آریان‌پور، علیرضا (۱۳۶۵)، *پژوهشی در شناخت باغ‌های ایران و باغ‌های تاریخی شیراز*، تهران: فرهنگسرا.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۱)، *سیاست هنری تیمور، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی*، ۳۴، ۵۶-۳۹.
- آژند، یعقوب (۱۳۹۵)، *نگارگری ایران (پژوهشی در تاریخ نقاشی و نگارگری ایران)*، ج. ۱، تهران: سمت.
- آن، جیمز (۱۳۷۴)، *فلزکاری، در کتاب هنرهای ایران، زیر نظر ر. دلبیو. فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز*. ۱۶۹-۱۷۱.
- ابن عربشاه، احمد بن محمد (۲۵۳۶)، *زندگانی شگفت‌آور تیمور*، ترجمه محمدعلی نجاتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- احسانی، محمدتقی (۱۳۹۰)، *هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران*، تهران: علمی و فرهنگی.
- اصفهانی، حبیب (۱۳۶۹)، *تذکره خط و خطاطان شامل خطاطان، نقاشان، مذهبیان و قاطعان و جلدسازان ایرانی و عثمانی بانضمام کلام‌الملوک*، ترجمه رحیم چاوش اکبری، تهران: کتابخانه مستوفی.
- بایرون، رابرت (۱۳۸۷)، *معماری تیموری، گرایش‌های عمومی، در کتاب سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ج. ۳، زیر نظر آرتر آپم پوپ و فیلیس اکرم، ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، تهران: علمی و فرهنگی. ۱۳۴۴-۱۳۲۱.
- برند، باربارا (۱۳۸۳)، *هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی*.
- برون، ادوارد، (۱۳۳۹)، *از سعدی تا جامی، تاریخ ادبی ایران از نیمه قرن هفتم تا آخر قرن نهم هجری عصر استیلای مغول و تاتار*، ترجمه و حواشی علی‌اصغر حکمت، تهران: کتابخانه ابن سینا.
- بلر، شیلا و بلوم، جان‌اتان (۱۳۸۵)، *هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش*.
- پاکباز، رویین (۱۳۹۲)، *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: زرین و سیمین.
- پورتر، ونیتیا (۱۳۸۹)، *کاشی‌های اسلامی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی*.

پوگاچنکووا، گالینا (۱۳۸۷)، شاهکارهای معماری آسیای میانه سه چهاردهم و پانزدهم میلادی، ترجمه سید داوود طبایی، تهران: فرهنگستان هنر.

جوینی، محمد (۱۳۸۵)، تاریخ جهانگشای جوینی، ج. ۱، تصحیح علامه محمد قزوینی، تهران: دنیای کتاب.
حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (۱۳۸۰)، زبده التواریخ، ج. ۲-۱، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
حسینی تربتی، ابوطالب (۱۳۴۲)، تزوکیات تیموری، تهران: کتابفروشی اسدی.
خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۷۲)، مآثرالملوک به ضمیمه خاتمه خلاصه الاخبار و قانون همایونی، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: خدمات فرهنگی رسا.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین (۱۳۸۰)، تاریخ حبیب‌السیرفی اخبار احوال بشر، ج. ۳، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
دانشدوست، یعقوب (۱۳۵۹)، هنر معماری ایران در دوره تیموریان، اثر، ۱، ۹۱-۱۰۲.
دوغلان، میرزا محمدحیدر (۱۳۸۴)، تاریخ رشیدی، تصحیح عباسقلی غفاری فرد، تهران: میراث مکتوب.
رایسن، ب. و. (۱۳۷۷)، نادره زمان پیراحمد باغشمالی، در کتاب دوازده رخ، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: مولی. ۸۲-۱۱۵.
راکسبورو، د. ج. (۱۳۸۴)، نگارگری و کتاب‌آرایی، در کتاب تیموریان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: مولی. ۴۵-۵۲.
روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷)، احسن التواریخ، به تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: بابک.
رهنورد، زهرا (۱۳۸۶)، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: کتاب‌آرایی، تهران: سمت.
رهنورد، زهرا (۱۳۹۲)، تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: نگارگری، تهران: سمت.
سابتلی، ماریا (۱۳۸۴)، فرهنگ دوستی و هنرپروری تیموریان و مبانی اجتماعی-اقتصادی آن، در کتاب تیموریان، تدوین و ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی. ۱۷۷-۲۱۹.

سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳)، مطلع سعدین و مجمع بحرین، ج. ۲-۱، به اهتمام عبدالحسین نوایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

شامی، نظام‌الدین (۱۳۶۳)، ظفرنامه، ویراسته پناهی سمنانی، تهران: بامداد.
شراتو، امبرتو و گروه، ارنست (۱۳۹۱)، هنر ایلیخانی و تیموری، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
کاوسی، ولی‌الله (۱۳۸۵)، چگونگی ارتباط تیمور با هنرمندان، گلستان هنر، ۱(۱)، ۳۱-۴۰.
کاوسی، ولی‌الله (۱۳۸۹)، تیغ و تنبور، هنر دوره تیموریان به روایت متون، تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
کلاویخو، روی گونزالس (۱۳۴۴)، سفرنامه کلاویخو، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
کنبای، شیلا (۱۳۸۹)، نگارگری ایرانی، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
کونل، ارنست (۱۳۸۷)، تاریخچه نقاشی مینیاتور و طراحی، در کتاب سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز، ج. ۵، زیر نظر آرتر اپم پوپ و فیلیس اکرم، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: علمی و فرهنگی. ۲۰۹۵-۲۱۵۸.
گروبه، ارنست و سیمز، الینور (۱۳۸۷)، نقاشی، در کتاب هنرهای ایران، به کوشش ر. دبلیو. فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز. ۲۲۳-۲۰۰.

گری، بازیل (۱۳۷۹)، هنرهای تصویری در دوره تیموری، در کتاب تاریخ ایران دوره تیموریان پژوهشی از دانشگاه کمبریج، ج. ۶، ویراستاران پیتر جکسون و لورنس لاکهارت، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی. ۳۸۰-۴۱۴.
گری، بازل (۱۳۹۲)، نقاشی ایرانی، ترجمه عربعلی شروه، تهران: دنیای نو.
گواشانی هروی، دوست‌محمد (۱۳۹۸)، دیباچه، در کتاب کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی: مجموعه رسائل در زمینه خوشنویسی، مرکب‌سازی، کاغذگری، تذهیب و تجلید، ج. ۱، ویراست دوم، تحقیق و تألیف نجیب مایل هروی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. ۳۳۶-۳۱۳.

گولومبک، لیزا (۱۳۸۴)، معماری، در کتاب تیموریان، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران: مولی. ۵۲-۶۲.
محمدحسن، زکی (۱۳۲۰)، صنایع ایران بعد از اسلام، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران: اقبال.

مسعودی، ذبیح‌الله؛ محمودی نسب، علی‌اصغر و معروفی اقدم، اسماعیل (۱۳۹۴)، پژوهشی بر هنر فلزکاری دوره تیموری، دومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، مشهد. ۲۷-۱.

منشی قمی، میراحمد (۱۳۵۲)، *گلستان هنر*، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
میرخوند، محمد بن خاوند (۱۳۷۳)، *روضه الصفا*، ج. ۶، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، تهران: انتشارات علمی.
نطنزی، معین‌الدین (۱۳۸۳)، *منتخب التواریخ معینی*، به اهتمام پروین استخری، تهران: اساطیر.
وارد، ریچل (۱۳۸۴)، *فلزکاری اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: موسسه مطالعات هنر اسلامی.
ویلبر، دونالد نیوتن (۱۳۸۷)، *باغ‌های ایرانی و کوشک‌های آن*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: علمی و فرهنگی.
ویلبر، دونالد و گلمبک، لیزا (۱۳۷۴)، *معماری تیموری در ایران و توران*، ترجمه کرامت‌الله افسر و محمدیوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.

هاراری، رالف (۱۳۸۷)، فلزکاری پس از آغاز دوره اسلامی، در کتاب *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ج. ۶، زیر نظر آرتر ایم پوپ و فیلیس اکرمین، ترجمه علی حضوری، تهران: علمی و فرهنگی. ۲۹۳۰-۲۸۶۷.
هیلن‌برند، رابرت (۱۳۸۷)، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: روزنه.
یزدی، شرف‌الدین علی (۱۳۸۷)، *ظفرنامه*، ج. ۲-۱، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Golombek, L. (1992), Discourses of an Imaginary Arts Council in Fifteenth-Century Iran, In the book *Timurid Art and Culture: Iran and Central Asia in the Fifteenth Century*, Edited by L. Golombek and M. Subtelny, Leiden: E. J. Brill. 1-17.

Komaroff, L. (1992), *Golden Disk of Heaven: Metalwork of Timurid Iran*, California: Mazda.

Lentz, T. W. & Lowry, G. D. (1989), *Timur and the Princely Vision: Persian Art and Culture in the Fifteenth Century*, Washington: Smithsonian Institution Press.

O’Kane, B. (2019), Architecture in the Interregnum: The Mozaffarid, Jalayerid and Kartid Contributions, In the book *Iran after the Mongols*, Edited by S. Babaie, London: I. B.Tauris. 211-233.

Soustiel, J. & Porter, Y. (2003), *Tombs of Paradise: the Shah-e zende in Samarkand and archtectural ceramics of Central Asia*, Translated by D. Janson, Saint-Rémy-en-l’Eau: Editions Monelle Hayot.

Tekin, B. (2012), The Yasawi Shrine’s Bronze Doorknockers: as Assessment of the Timurid Artistic World, *The Journal of Academic Social Science Studies*, 5(8), 1136-1155.

Wing, P. (2016), *The Jalayirids, dynastic state formation in the Mongil Middle East*, Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.

URL1: https://archnet.org/sites/2127/media_contents/1320 [2024/01/04]

URL2: <https://collections.louvre.fr/en/ark:/53355/cl010329461> [2024/01/04]

References:

Allen, J. (1995), Metalworking, In the book *the arts of Persia*, Under the supervision of R. W. Ferrier, Translated by P. Marzban, Tehran: Farzan Rooz. 171-199 [In Persian]

Arianpour, A. (1986), *A general survey of Persian Gardens and an investigation of the historical gardens of Shiraz*, Tehran: Farhangsara. [In Persian]

Azhand, Y. (2002), Timur's artistic policy, *Humanities Research Journal of Shahid Beheshti University*, 34, 56-39. [In Persian]

Azhand, Y. (2016), *Persian miniature (A research on Persian painting and miniature)*, Vol. 1, Tehran: Samt. [In Persian]

Blair, S. & Bloom, J. (2006), *Islamic art and architecture*, Translated by A. Eshraghi, Tehran: Soroush. [In Persian]

Brend, B. (2004), *Islamic art*, Translated by M. Shayestehfar, Tehran: Institute of Islamic Art Studies. [In Persian]

- Browne, E. (1960), *From Saadi to Jami, the literary history of Iran from the middle of the seventh century to the end of the ninth Ah century, the era of Mongol and Tatar conquest*, Translated and Annotated by A. A. Hekmat, Tehran: Ibn Sina Library. [In Persian]
- Byron, R. (2008), Timurid architecture, general tendencies, In the book *A Survey of Persian Art: From Prehistoric times To the Present*, Vol. 3, Under the supervision of A. U. Pope and P. Ackerman, Translated by B. Ayatollahzadeh Shirazi, Tehran: Scientific and Cultural. 1344-1321. [In Persian]
- Canby, S. (2010), *Persian painting*, Translated by M. Shayestehfar, Tehran: Institute of Islamic Art Studies. [In Persian]
- Clavijo, R. G. (1965), *Travelogue of Clavijo*, Translated by M. Rajabnia, Tehran: Book translation and publishing company. [In Persian]
- Daneshdoost, Y. (1980), The architectural art of Iran in the Timurid period, *Athar*, 1, 91-102. [In Persian]
- Dughlat, M. H. (2005), *Tarikh-i-Rashidi*, Corrected by A. q. ghafari fard, Tehran: Written heritage. [In Persian]
- Ehsani, M. T. (2019), *Seven thousand years of metalworking art in Iran*, Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]
- Golombek, L. (1992), Discourses of an Imaginary Arts Council in Fifteenth-Century Iran, In the book *Timurid Art and Culture: Iran and Central Asia in the Fifteenth Centur*, Edited by L. Golombek and M. Subtelny, Leiden: E. J. Brill. 1-17.
- Golombek, L. (2004), Architecture, In the book *Timurids*, Translated and Edited by Y. Azhand, Tehran: Mowla. 52-62. [In Persian]
- Gowashani Heravi, D. M. (2018), Preface, In the book *the art of bibliopegy in Islamic civilization: a collection of essays in the field of calligraphy, ink-making, paper-making, gilding and bookbinding*, Vol. 1, Second edition, Researched and authored by N. Mayel Heravi, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. 336-313. [In Persian]
- Gray, B. (2000), Visual arts in the Timurid period, In the book *History of Iran during the Timurid period a research of Cambridge University*, vol. 6, Edited by P. Jackson and L. Lockhart, Translated by Y. Azhand, Tehran: Jami. [In Persian]
- Gray, B. (2013), *Persian Painting*, Translated by Arabali Sherveh, Tehran: New world. [In Persian]
- Grube, E & Sims, E. (2008), Painting, in the book *the arts of Persia*, under the supervision of R. W. Ferrier, Translated by P. Marzban, Tehran: Farzan Rooz. 200-223. [In Persian]
- Hafez Abro, A. (2001), *Zubdat al-Tawarikh*, Vol. 1-2, Corrected by S. K. Haj Seyed Javadi, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Harari, R. (2008), Metalworking after the beginning of the Islamic period, In the book *A Survey of Persian Art: From Prehistoric times To the Present*, Vol. 6, Under the supervision of A. U. Pope and P. Ackerman, Translated by A. Hozoori, Tehran: Scientific and Cultural. 2867-2930. [In Persian]
- Hillenbrand, R. (2008), *Islamic art and architecture*, Translated by A. Eshraghi, Tehran: Rozeneh. [In Persian]
- Hosseini Torbati, A. (1963), *Timurid Tazukat*, Tehran: Asadi bookstore. [In Persian]
- Ibn Arabshah. A. (1977), *Timur's amazing life*, Translated by M. A. Nejati, Tehran: Book translation and Publishing Company. [In Persian]
- Isfahani, H. (1990), *Biography of calligraphy and calligraphers, including Iranian and Ottoman calligraphers, painters, gilders and cutters and cover makers, including Kalam al-Muluk*, Translated by R. Chavosh Akbari, Tehran: Mostofi Library. [In Persian]
- Joveini, M. (2006), *Tarikh-e Jahangosha-ye Joveini*, Vol. 1, Corrected by A. M. Qazvini, Tehran: World of Books. [In Persian]
- Kavoosi, V. (2006), Timur communicate with artists, *Golestan-E- Honar*, 2(1), 40-31. [In Persian]
- Kavoosi, V. (2010), *Sword and tanbur, the art of the Timurid period according to texts*, Tehran: Institute of authoring, translating and publishing of Artworks (Matn). [In Persian]
- Khawndmir, G. (1993), *Maather al-Moluk be zamimeh khatemeh khulasat al akhbar Va Qanun-i-Humayuni*, Corrected by M. H Muhaddith, Tehran: Rasa Cultural Services. [In Persian]

- Khawndmir, G. (2001), *Tarikh-e Habib os-Siyar fi Akhbar Abna'e Bashar*, Vol. 3, Under the supervision of M. Dabirsiaghi, Tehran: Khayyam. [In Persian]
- Komaroff, L. (1992), *Golden Disk of Heaven: Metalwork of Timurid Iran*, California: Mazda.
- Kuhnel, E (2008), History of miniature painting and drawing, In the book *A Survey of Persian Art: From Prehistoric times to the Present*, Vol. 5, Under the supervision of A. U. Pope and P. Ackerman, Translated by P. Marzban, Tehran: Scientific and Cultural. 2095-2158. [In Persian]
- Lentz, T. W. & Lowry, G. D. (1989), *Timur and the Princely Vision: Persian Art and Culture in the Fifteenth Century*, Washington: Smithsonian Institution Press.
- Masoudi, Z. A.; Mahmoudi Nasab, A. A.; & Maroufi Aghdam, I. (2015), A research on the metalworking art of the Timurid period, *the second national archeological conference of Iran*, Mashhad. 1-27. [In Persian]
- Mirkhond, M. (2015), *Rawzat al-Safa*, Vol. 6, Corrected and summarized by A. Zaryab, Tehran: Scientific Publications. [In Persian]
- Mohammad Hassan, Z. (1941), *Iranian industries after Islam*, Translated by M. A. Khalili, Tehran: Iqbal. [In Persian]
- Monshi Qomi, M. A. (1973), *Golestan -e- honar*, Corrected and with effort of A. Sohaili Khansari, Tehran: Iran Culture Foundation. [In Persian]
- Natanzi, M. (2004), *Montakhab al-Tawrikh-e- Moeini*, with effort of P. Estakhri, Tehran: Asatir. [In Persian]
- O'Kane, B. (2019), Architecture in the Interregnum: The Mozaffarid, Jalayerid and Kartid Contributions, In the book *Iran after the Mongols*, Edited by S. Babaie, London: I. B. Tauris. 211-233.
- Pakbaz, R. (2013), *Iranian painting from ancient times to today*, Tehran: Golden and silver. [In Persian]
- Porter, V. (2010), *Islamic tiles*, Translated by M. Shayestehfar, Tehran: Institute of Islamic Art Studies. [In Persian]
- Pugachenkova, G. (2008), *Masterpieces of Central Asia Architecture of the fourteenth and fifteenth AD centuries*, Translated by S. D. Tabai, Tehran: Art Academy. [In Persian]
- Rahnavard, Z. (2007), *Persian art history in Islamic period: illumination*, Tehran: Samt. [In Persian]
- Rahnavard, Z. (2013), *Persian art history in Islamic period: painting*, Tehran: Samt. [In Persian]
- Robinson, B. W. (1998), Unique Artist in the period Pir Ahmad Baq Shomali, In the book *twelve faces*, Translated and Edited by Y. Azhand, Tehran: Mowla. 82-115. [In Persian]
- Roxborough, d. J. (2005), Painting and the arts of book, In the book *Timurids*, Translated and edited by Y. Azhand, Tehran: Mowla. 52-45. [In Persian]
- Rumlu, H. B. (1978), *Ahsan al-Tawarikh*, Edited by A. H. Navaei, Tehran: Babak. [In Persian]
- Sabtely, M. (2005), Friendship of culture and Fostering art of Timurids and its socio-economic foundations, In the book *Timurids*, Translated and edited by Y. Azhand, Tehran: Mowla. 219-177. [In Persian]
- Samarkandi, K. (2004), *Matla us-Sadain WA Majma ul-Baahrain*, Vol. 1-2, with effort of A. H. Navaei, Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Scharato, U. & Grube, E. (2012), *Ilkhanid and Timurid art*, Translated by Y. Azhand, Tehran: Mowla. [In Persian]
- Shami, N. (1964), *Zafarnama*, Edited by Panahi Semnani, Tehran: Bamdad. [In Persian]
- Soustiel, J. & Porter, Y. (2003), *Tombs of Paradise: the Shah-e zende in Samarkand and archtechtural ceramics of Central Asia*, Translated by D. Janson, Saint-Rémy-en-l'Eau: Editions Monelle Hayot.
- Tekin, B. (2012), The Yasawi Shrine's Bronze Doorknockers: as Assessment of the Timurid Artistic World, *The Journal of Academic Social Science Studies*, 5(8), 1136-1155.
- Ward, R. (2005), *Islamic metalwork*, Translated by M. Shayestehfar, Tehran: Institute of Islamic Art Studies. [In Persian]
- Wilber, D. and Golembek, L. (1995), *Timurid architecture in Iran and Turan*, Translated by K. A. Afsar and M. Y. Kiani, Tehran: Cultural Heritage Organization. [In Persian]
- Wilber, D. N. (2007), *Iranian gardens and its pavilions*, Translated by M. Saba, Tehran: Scientific and Cultural. [In Persian]

Wing, P. (2016), *The Jalayirids, dynastic state formation in the Mongil Middle East*, Edinburgh: Edinburgh University Press Ltd.

Yazdi, S. A. (2008), *Zafarnama*, Vol. 1-2, Corrected by A. H. Navaei, Tehran: Library, Museum and Document Center of the Islamic Council. [In Persian]

URL1: https://archnet.org/sites/2127/media_contents/1320 [2024/01/04]

URL2: <https://collections.louvre.fr/en/ark:/53355/cl010329461> [2024/01/04]

آماده انتشار فزدهای زیبا

Survey of the role of emigrant artists and craftsmen in the flourishing of the civilization of the Timur's era

Abstract:

Timurid period is one of the most brilliant periods of Civilization and culture of Iran. Timur was one of the cruelest rulers of Iran and during his thirty six- years reign, he suppressed the Competitors and rebels and established a powerful government and his raids caused irreparable losses and casualties. In addition to cruelty, Timur is known for his extensive support of art and industry. Referring to the numerous reports of historians, during Timur's campaigns and conquests, prominent and famous artists and craftsmen of each city were protected from the damage of the soldiers and they were sent to Samarkand with the aim of implementing his major and ambitious projects. Achieving the huge wealth and skilled manpower of the conquered lands, provided a favorable Conditions for the flourishing of the arts and handicrafts. The purposes of this research are Survey of the role of immigrant artists and craftsmen in the flourishing of Timur's era civilization and determine their origin and expertise. An attempt is made to answer these questions that according to historical texts and archaeological data, which areas artists and craftsmen did Timur send to Transoxiana? What were their specialties and in what fields were they employed? The information is collected by library method and the research method is historical-analytical. The results indicate that most of the artists and craftsmen were moved to Samarkand from Shiraz, Isfahan, Tabriz, Baghdad, Damascus and Delhi. Considering numerous reports of historical texts, masters, architects and engineers of conquered lands Participated in the construction of great buildings such as the Aq Sara Palace in Shahr-i-Sabz and the Samarkand Jame' Mosque and the signatures of architects from Shiraz, Isfahan and Tabriz in the Timur's buildings, confirms these reports. According to Muzaffarid Monuments in Isfahan, Yazd and Kerman, it can be concluded that Al- Muzaffar architecture played a prominent role in the formation of Timurid architecture and migration of artists from Shiraz and Isfahan caused the transfer of this architectural style from the central and southern regions of Iran to Transoxiana. Timurid architecture has inherited features such as the double layer dome and especially mosaic tile - which became the main decoration of the monuments of this era - from Al-Muzaffar architecture. Timur also sent a number of prominent calligraphers from conquered areas to Samarkand. They were engaged in writing official letters and Qur'anic manuscripts, and according to their remaining signatures, they also wrote the inscriptions of the buildings. Considering Timur's focus on architecture, Immigrant painters have also performed the wall paintings of his palaces. According to Timur's successive campaigns, the supply of weapons was very important and essential, and the metalworkers who gathered in Samarkand, especially from Damascus and Turkey, They often made cannons, helmet, armor and bow and arrow. The signatures of the artists engraved on the cauldrons, candlesticks and doorknocker in the tomb of Khwaja Ahmad Yesavi in Turkestan confirm the migration of metalworkers from Tabriz and Isfahan to Transoxiana in the Timur era.

Key words:

Artists, Craftsmen, Immigrants, Samarkand, Timur.